



The Nature and Scope of Scholars' Responsibility in Realizing Social Justice in Imam Reza's Teachings

Ali Jannati¹✉

1. Researcher of the Fiqh al-Ijtima' (Social Jurisprudence) Section at the Higher School of Jurisprudence of Ālem Āl Muḥammad (pbuh). Email: janati110313@gmail.com

Article Info

Article type:

Review Article

Article history:

30 September 2024

Accepted: 25

January 2025

Keywords:

Scholars, Social Responsibility, Social Justice, Islamic Civilization, Imam Reza (pbuh).



ABSTRACT

Scholars, as intellectual and religious leaders in society, play a crucial role in establishing social justice beyond their functions of guidance and propagation of religious teachings, bearing significant social responsibility. This article aims to elucidate the social responsibility of scholars as expressed in Imam Reza's (pbuh) statements, employing analytical and deductive methods and referencing narrative texts. Examining Imam Reza's (pbuh) words, the study highlights "being a source of goodness" as one of the scholars' duties. Analysis of the concept of "goodness" in the Quran and narrations reveals its broad scope and specific manifestations, including Jihād, observance of piety, enjoining good and forbidding evil, defending and saving people from enemies' harm, environmental protection, and prevention of oppression. Furthermore, Imam Reza (pbuh) considers scholars responsible for safeguarding people's lives, property, and beliefs, as well as facilitating divine blessings and pleasure. The article concludes that if scholars fulfill their social responsibility by implementing principles and values of justice in social life, they can contribute to developing policies and programs that enhance social justice.

Cite this article: Jannati, A. (2024). The Nature and Scope of Scholars' Responsibility in Realizing Social Justice in Imam Reza's Teachings. *Islamic Social Studies*, 30 (129) , 29_



52. <https://doi.org/10.30513/iss.2025.6397.1370>

© The Author(s).

Publisher: Razavi University of Islamic Sciences.



ماهیت و حدود مسئولیت علما در تحقق عدالت اجتماعی در معارف امام رضا (ع)

علی جنتی^۱

۱. پژوهشگر حلقه اجتهادی فقه الاجتماع مدرسه عالی فقاہت عالم آل محمد، ایران. رایانامه:
janati110313@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: ترویجی	علما، به عنوان رهبران فکری و مذهبی در جامعه، علاوه بر نقش هدایتگری و تبلیغ آموزه‌های دینی، در ایجاد عدالت اجتماعی در جامعه نقش اساسی داشته و دارای مسئولیت اجتماعی هستند. این مقاله که با هدف تبیین مسئولیت اجتماعی علما در بیانات حضرت رضا (ع) به روش تحلیلی و استنتاجی و مراجعه به متون روایی، صورت گرفته است، با بررسی بیانات حضرت (ع)، به «منشأ خیر بودن» به عنوان یکی از وظایف علما اشاره شده است. با تحلیل مفهوم «خیر» در قرآن و روایات به این نتیجه رسیدیم که خیر مفهوم وسیع و مصادیق مشخصی از قبیل: جهاد، رعایت تقوا، امر به معروف و نهی از منکر، دفاع و نجات مردم از شر دشمنان، حفظ محیط زیست و جلوگیری از ظلم ... دارد. در ادامه حضرت حافظ و نگهبان (جان، مال و اعتقادات و...) مردم بودن و فراهم آوردن نعمت و رضوان خدا را وظیفه علما دانسته‌اند. در انتها اشاره شد، اگر علمای جامعه مسئولیت اجتماعی‌شان را در پیاده کردن اصول و ارزش‌های عدالت در زندگی اجتماعی عملی نمایند می‌توانند در ایجاد سیاست‌ها و برنامه‌هایی که به ارتقای عدالت اجتماعی می‌انجامد، کمک کنند.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۷/۹	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۶	
کلیدواژه‌ها: علما، مسئولیت اجتماعی، عدالت اجتماعی، تمدن اسلامی، امام رضا (ع).	



استناد: جنتی، علی. (۱۴۰۳). ماهیت و حدود مسئولیت علما در تحقق عدالت اجتماعی در معارف امام رضا (ع). پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، ۳۰ (۱۲۹)، ۲۹-۵۲. <https://doi.org/10.30513/iss.2025.6397.1370>

© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.



مقدمه

غایت خلقت انسان، رسیدن به کمال و بالندگی اخلاقی و روحی است و ازاین‌رو دستیابی به عدالت اجتماعی نیز یکی از اهداف اساسی است که دین معرفی می‌کند و برای انسان به‌عنوان هدف محسوب می‌شود. انسان با تلاش برای تحقق عدالت اجتماعی، بر نردبان اصول اخلاقی و ارزش‌های انسانی بالا می‌رود و به‌نوعی به کمال نزدیک می‌شود. خداوند متعال به صراحت غایت انزال کتب و ارسال رسل را ایجاد عدالت بیان می‌دارد. شهید مطهری در کتاب انسان و ایمان، عدالت اجتماعی را به‌عنوان هدف اسلام و مذهب خاتم می‌داند و تصریح می‌کند؛ اسلام تئوری پیروزی انسانیت بر حیوانیت، علم بر جهل، عدالت بر ظلم، مساوات بر تبعیض، فضیلت بر رذیلت، تقوا بر بی‌بندوباری و توحید بر شرک است. پیروزی مستضعفان بر جباران و مستکبران یکی از مظاهر و مصادیق این پیروزی‌هاست (مطهری، ۱۳۸۴، ص ۵۹).

لذا انسان‌ها برای برپا داشتن عدالت اجتماعی، دارای مسئولیت‌های فردی و اجتماعی هستند و تا وقتی به انجام این وظایف و مسئولیت‌ها پایبند نباشند و دغدغه‌ای هم نسبت به آن نداشته باشند، ایجاد عدالت اجتماعی امکان نخواهد داشت. لذا مسئولیت اجتماعی که به معنای ایجاد فعالیت در جامعه توسط فرد یا گروه یا مؤسسه یا شرکت یا دولت از خاستگاه اخلاق بر اساس تعادل و توازن در زمینه‌های مختلف زندگی است، یکی از ارکان ایجاد عدالت در جامعه است.

علمای جامعه اسلامی که وظیفه هدایت معنوی و فکری جامعه و همچنین مدیریت سیاسی و اجتماعی آن را برعهده دارند، در کنار دیگر اعضای جامعه اسلامی و بلکه بیشتر از آن‌ها، دارای مسئولیت اجتماعی هستند. یکی از شئون و وظایف اجتماعی علما، عمل نمودن و بلکه پیشران و محرک اصلی افراد جامعه در جهت برپایی عدالت اجتماعی بوده که خود یکی از ارکان ایجاد تمدن نوین اسلامی است و بلکه اساس این تمدن، بر عدالت اجتماعی استوار است. اگر علمای جامعه اسلامی، وظیفه و مسئولیت خود را در این زمینه به نحو احسن انجام ندهند شاید بتوان گفت اثری از عدالت اجتماعی و در نهایت رسیدن به سرمنزل تمدن نوین اسلامی نخواهد بود.

مقالاتی در زمینه مسئولیت اجتماعی نوشته شده است از جمله یعقوبی، فیاض و سبحانی نژاد (۱۳۹۲)، در مقاله با عنوان «بررسی مسئولیت‌پذیری اجتماعی در آموزه‌های اسلام و دلالت‌های تربیتی آن به معلمان»، با توجه به آموزه‌های قرآن، فطرت را به عنوان منشأ پیدایش مسئولیت دانسته و به سه نوع مسئولیت در برابر خود، در برابر خدا و در برابر دیگران اشاره می‌کنند.

داداشی، صفار حیدری، شریف‌زاده (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «اصول و روش‌های تربیتی مسئولیت‌پذیری در آموزه‌های اسلامی» به بررسی حیطه‌ها، اصول و روش‌های ترویج مسئولیت‌پذیری در آموزه‌های اسلامی پرداخته و تحقق مسئولیت‌پذیری را، نیازمند وضع اصول و روش‌های متناسب با آن‌ها دانسته و به ۱۰ روش تربیتی اشاره شده است. در مقالاتی که اشاره شد و سایر پژوهش‌هایی که در این موضوع نوشته شده است بعضاً به مسئولیت اجتماعی و شاخصه‌های آن اشاره شده است و یا اینکه در یک زمینه آماری خاص به موضوع نگاه شده است. در پژوهش حاضر ما در پی تبیین مسئولیت اجتماعی در معارف رضوی و به طور خاص نسبت به علمای جامعه و در راستای دستیابی به عدالت اجتماعی و تمدن نوین اسلامی هستیم.

در این مقاله سعی شده است با مطالعه منابع مطالعاتی روایی و متون اسلامی و آثار متفکران غربی و اسلامی و تحلیل آن‌ها به این سؤالات پاسخ دهیم:
اولاً؛ مسئولیت اجتماعی به چه معناست؟

ثانیاً؛ ماهیت و حدود مسئولیت اجتماعی علما در بیانات امام رضا(ع) چیست؟
ثالثاً؛ چه ارتباطی میان مسئولیت اجتماعی که متوجه علمای جامعه اسلامی است با برپایی عدالت اجتماعی وجود دارد؟

۱. مفاهیم و چهارچوب نظری

در این بخش مفاهیم اصلی موضوع مقاله تبیین می‌شود تا بر اساس یک مبنا و رویکرد صحیح بتوانیم به سؤالات اصلی تحقیق پاسخ داده و مسیر روشنی را طی نماییم.

۱-۱. "علماء" چه کسانی هستند؟

امام حسین(ع) می‌فرماید: «بِأَنَّ مَجَارِيَ الْأُمُورِ وَالْأَحْكَامِ عَلَى أَيْدِي الْعُلَمَاءِ بِاللَّهِ الْأُمَنَاءِ عَلَى

حَلَالِهِ وَ حَرَامِهِ...» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۲۳۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ص ۶۸) امور جاری جامعه، بیان و اجرای احکام شرعی در جامعه، وظیفه علماء است که امین خداوند در حلال و حرام الهی هستند.

سؤالی که مطرح می‌شود این است که به چه کسی عالم گفته می‌شود؟ و کسی که زمام امور به دست اوست و امین خداوند در حلال و حرام الهی است چه کسی است؟ در روایتی صحیح از امام صادق(ع) به این سؤال پاسخ داده شده است. «عَلَىٰ بَنِي إِسْرَٰهِيْمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ: يَغْدُو النَّاسُ عَلَى ثَلَاثَةِ أَصْنَافٍ عَالِمٍ وَ مُتَعَلِّمٍ وَ غُثَاءٍ فَتَنَحْنُ الْعُلَمَاءُ وَ شَيْعَتُنَا الْمُتَعَلِّمُونَ وَ سَائِرُ النَّاسِ غُثَاءٌ.» (کلینی ۱۳۶۳، ص ۳۳)

امام صادق(ع) مردم را به سه گروه تقسیم می‌کنند: عالم، متعلم، کف روی آب (کنایه از افراد جاهل و فاقد اثر و اراده که در حاشیه قرار دارند) و می‌فرمایند: ما اهل بیت، علما هستیم و شیعیان ما متعلمان و سایر مردم افراد جاهل فاقد اثر و اراده.

با توجه به روایت مذکور و سخن امام حسین(ع)، می‌توان گفت علما و فقهای عصر غیبت که وظیفه رساندن کلام خدا و اولیای معصومین(ع) را به مردم دارند و در زمینه آگاهی و تعلیم دین اسلام قدم گذارده‌اند حکم عالم را داشته و به تعبیر امام عصر ارواحنا له الفداء در توقیعی که به اسحاق ابن یعقوب می‌فرمایند: «وَأَمَّا الْخَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُوَاةٍ حَدِيثُنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ» (استرآبادی ۱۴۲، ص ۲۹۰) مورد رجوع اهل ایمان، در عصر غیبت حجت خدا هستند و موقعیت و جایگاه مدیریت دینی و سیاسی و اجتماعی معصوم(ع) را دارا هستند و در زمانه حاضر ما مراجع تقلید و فقهای امامیه و مجتهدین هستند و اینها هستند که بنا به فرموده پیامبر اکرم(ص): «إِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ» (کلینی ۱۳۶۳، ص ۳۲) بوده و مقامی بالاتر از عابد دارند.

۲-۱. مسئولیت اجتماعی

اصطلاح «مسئولیت اجتماعی» اختصاص به علم خاصی ندارد بلکه می‌توان آن را از رویکردهای مختلف، تبیین نمود.

از دیدگاه جامعه‌شناسی، مسئولیت اجتماعی به معنای تعهد و وظیفه فرد یا سازمان

نسبت به جامعه و جوامع است که در آن فرد یا سازمان فعالیت می‌کند. این تعهد شامل مسئولیت‌هایی مانند احترام به حقوق انسانی، پایبندی به اخلاقیات، کمک به حل مشکلات اجتماعی و ترویج عدالت اجتماعی می‌شود. بنابراین، مسئولیت اجتماعی در زمینه‌های مختلفی از جامعه‌شناسی نظیر سازمان‌های اجتماعی، نگرانی‌ها و رفتارها، تعاملات فرهنگی و اقتصادی مورد بررسی قرار می‌گیرد و مفهوم خود را از زاویه تحولات اجتماعی و فرهنگی مورد مطالعه قرار می‌دهد. (تامسون؛ بیوان ۲۰۱۰، ص ۲۱۷) لذا از این دیدگاه مسئولیت اجتماعی نوعی تعهد به انجام برخی وظایف اخلاقی و عرفی در جامعه است که عدالت اجتماعی و ترویج آن بخشی از این تعهد انسانی و اخلاقی است.

از دیدگاه علم مدیریت، مسئولیت اجتماعی را این‌گونه تعریف می‌کند: «مسئولیت اجتماعی به معنای تعهد و وظیفه فرد یا سازمان نسبت به بهبود و رفاه جامعه و برآورده کردن نیازهای اجتماعی و اخلاقی است. این مسئولیت شامل توجه به آثار عملکرد، تصمیمات و رفتار فرد یا سازمان بر جامعه و محیط زیست است. به‌طور کلی، مسئولیت اجتماعی فرد یا سازمان را به میزان تأثیر و مسئولیت آن بر جامعه و محیط زیست اندازه می‌گیرد.» (کارل؛ شبانا، ۲۰۱۰، ص ۸۵) در این تعریف بر آثار و پیامدهای رفتار فردی و سازمانی بر جامعه و محیط زیست تأکید شده است.

متفکران اسلامی هم مسئولیت اجتماعی را تعریف و تبیین کرده‌اند. شهید مطهری در یادداشت‌های خودشان به این مفهوم به خوبی اشاره می‌کنند و دیدگاه اسلام را بیان می‌دارند: «درباره مسئولیت‌ها اسلام آن وقت سخن گفته که نه از این فلسفه‌ها نام و نشان بوده است و نه از صاحبانشان: «رُوی عَنِ النَّبِیِّ (ص): کُلُّكُمْ رَاعٍ وَ کُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِیَّتِهِ.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ص ۳۸) «انکم مسؤولون حتی عن البقاع و البهائم» (شریف الرضی، ۱۳۷۹، ص ۱۶۷) قال رسول الله (ص) «من أصبح و لم یهتّم بامور المسلمین فلیس بمسلم» (ابن بابویه، ۱۳۶۶، ص ۱۳۱) پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «هرکس صبح کند و اهمتامی به امور مسلمانان نداشته باشد مسلمان نیست»

«وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: الْمُؤْمِنُونَ فِي تَبَارِهِمْ وَ تَرَاحِمِهِمْ وَ تَعَاظِفِهِمْ كَمَثَلِ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى تَدَاعَى لَهُ سَائِرُهُ بِالسَّهْرِ وَ الْحُمَى» (کوفی اهوازی، ۱۴۰۴، ص ۳۹) امام صادق (ع) می‌فرمایند: «مؤمنان در احسان و نیکی، مهربانی و دلسوزی، همدردی و علاقه همانند

یک جسم می‌باشند که چنانچه بر عضوی از آن دردی و ناراحتی پیش آید، همه بیدار و در سوخت و گداز قرار می‌گیرند.» چه زیبا سعدی؛ سروده است که:

بنی آم اعضای یک پیکرند که در آفرینش زیک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار

(سعدی، ۱۳۹۸)

اما درباره چه چیزهایی مسئول هستیم؟ درباره چند چیز:

الف. گمراهی‌ها، ضلالت‌ها، فساد اخلاق‌ها، تباهی‌ها، انحراف از دین‌ها. ما عذری نداریم که جوانان ما روز به روز گمراه‌تر بشوند. ارشاد جاهل یعنی گمراه، واجب است: ﴿وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ...﴾ (توبه / ۶)

ب. جهالت‌ها و بی‌خبری‌ها: «إِنَّ اللَّهَ مَا أَوْجِبَ عَلَى الْجَهَالِ أَنْ يَتَعَلَّمُوا إِلَّا أَوْجِبَ قَبْلَهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ أَنْ يَعْلَمُوا..»

ج. فقر و گرسنگی‌ها» (مطهری، ۱۳۸۴، ص ۷۵)

تعریف دقیقی که از مسئولیت اجتماعی، مبنای تحلیل در این مقاله قرار خواهد گرفت و از این نظر دارای شمولیت و جامعیت بوده و به‌نوعی تعریف اخلاقی و ارزشی است، تعریفی است که در مبانی فقه الاجتماع از آن یاد می‌شود که عبارتست از: «ایجاد فعالیت در جامعه توسط فرد یا گروه یا مؤسسه یا شرکت یا دولت از خاستگاه اخلاق بر اساس تعادل و توازن در زمینه‌های مختلف زندگی است» (جنتی، ۱۴۰۲، ص ۱۱).

۱-۳. عدالت اجتماعی

اگر بخواهیم عدالت اجتماعی را تعریف کنیم ابتدا باید تعریفی جامع از مفهوم «عدالت» داشته باشیم. شهید مطهری در کتاب عدل الهی این مفهوم را به خوبی تعریف می‌کند:

«رعایت حقوق افراد و عطا کردن به هر ذی‌حق، حق او را؛ و ظلم عبارت است

از پامال کردن حقوق و تجاوز و تصرف در حقوق دیگران.» (مطهری، ۱۳۸۴، ص ۸۰)

اکنون به مفهوم «عدالت اجتماعی» از رویکردهای مختلف می‌پردازیم. جامعه‌شناسان، «عدالت اجتماعی» را به معنای توزیع منصفانه منابع، فرصت‌ها و حقوق در یک جامعه، به‌طوری که همه افراد بتوانند به‌طور برابر به فرصت‌ها و منابع دسترسی پیدا

کنند، تعریف کرده و برای شناسایی ادراکات و ارزش‌های مختلف افراد و گروه‌ها و توزیع عادلانه منابع و حقوق در جامعه به بررسی نقش عدالت اجتماعی می‌پردازند. (اخوان کاظمی، ۱۳۷۹؛ نیلسن، ۱۳۸۲، ص ۳۷۰) ولی در این مورد نیازی به اطاله بیان نیست و آنچه سایر مکاتب و دیدگاه‌ها بیان کرده‌اند تفاوت زیادی با نگاه متفکران اسلامی در مفهوم عدالت اجتماعی ندارد لذا تنها به دیدگاه متفکران اسلامی خواهیم پرداخت. با وجود قلم‌فرسایی متفکران زیادی در این زمینه ماحصل بیان و رویکرد همه آن‌ها در آثار علامه طباطبایی ره و شاگرد ایشان شهید مطهری ره به نحو مبین مطروح است.

علامه طباطبایی در کتاب تفسیر المیزان در ذیل تفسیر آیه ۱۵۷ سوره بقره عدالت اجتماعی را این‌گونه تعریف می‌نماید:

«عدالت اجتماعی عبارت است از اینکه حق هر صاحب حقی را به او بدهند، و هر کس به حق خودش که لایق و شایسته آن است برسد، نه ظمی به او بشود و نه او به کسی ظلم کند.» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ص ۵۷۰)

شهید مطهری در کتاب عدل الهی بعد از اینکه سه معنا برای عدل بیان می‌کند، اشکالاتی را به دو معنای اول کرده و معنای سوم را بر می‌گزیند؛ ایشان عدالت را این‌گونه تعریف می‌کند:

«عدالت یعنی رعایت تساوی در زمینه استحقاق‌های متساوی، البته این معنا، معنی درستی [از عدالت] است؛ عدل، ایجاب می‌کند این چنین مساواتی را، و این چنین مساوات از لوازم عدل است؛ ولی در این صورت بازگشت این معنی به معنی سوم است.» (مطهری، ۱۳۸۴، ص ۸۰)

شهید مطهری تعریف اصلی خودشان را از عدالت که به نحوی عدالت اجتماعی را هم در بر دارد این‌گونه ارائه می‌نماید:

«رعایت حقوق افراد و عطا کردن به هر ذی‌حق، حق او را؛ و ظلم عبارت است از پامال کردن حقوق و تجاوز و تصرف در حقوق دیگران. معنی حقیقی عدالت اجتماعی بشری، یعنی عدالتی که در قانون بشری باید رعایت شود و افراد بشر باید آن را محترم بشمارند همین معنی است. این عدالت مئیکی بر دو چیز است: یکی حقوق و اولویتها؛ یعنی افراد بشر نسبت به یکدیگر و در مقایسه با یکدیگر،

نوعی حقوق و اولویت پیدا می‌کنند. مثلاً کسی که با کار خود، محصولی تولید می‌کند، طبعاً نوعی اولویت نسبت به آن محصول پیدا می‌کند و منشأ این اولویت، کار و فعالیت اوست. همچنین کودکی که از مادر متولد می‌شود، نسبت به شیر مادر حق و اولویت پیدا می‌کند و منشأ این اولویت، دستگاه هدف‌دار خلقت است که آن شیر را برای کودک بوجود آورده است. یکی دیگر خصوصیت ذاتی بشر است که طوری آفریده شده است که در کارهای خود الزاماً نوعی اندیشه‌ها که آن‌ها را اندیشه اعتباری می‌نامیم استخدام می‌کند و با استفاده از آن اندیشه‌های اعتباری به‌عنوان «آلت فعل» به مقاصد طبیعی خود نائل می‌آید. آن اندیشه‌ها یک سلسله اندیشه‌های «انشائی» است که با «باید»‌ها مشخص می‌شود. از آن جمله این است که برای اینکه افراد جامعه بهتر به سعادت خود برسند «باید» حقوق و اولویت‌ها رعایت شود. و این است مفهوم عدالت بشری که وجدان هر فرد آن را تأیید می‌کند و نقطهٔ مقابلش را که ظلم نامیده می‌شود محکوم می‌سازد.» (مطهری، ۱۳۸۴، ص ۸۱)

۴-۱. جمع بندی تعاریف

در بین تعاریفی که در مورد مسئولیت اجتماعی و عدالت اجتماعی بیان گردید بایستی به یک نکته اساسی اشاره کرد. اساساً تعاریفی که فیلسوفان، جامعه‌شناسان و متفکران غربی از این دو مفهوم ارائه می‌نمایند بر پایه نوعی قرارداد اجتماعی است. رویکرد آن‌ها این است که جامعه اساساً بر پایهٔ قرار داد اجتماعی بنا شده است کما اینکه اشخاصی همچون «روسو» در کتاب «قرارداد اجتماعی» خود در اواسط قرن ۱۸ میلادی این مبنا را به وضوح بیان می‌کند. (روسو، ۱۳۴۱، ص ۴۹) لذا طبق مبنای این متفکران تمامی مناسبات میان افراد جامعه در دایره قرار داد اجتماعی تعریف می‌شود و تمامی حقوق و مسئولیت‌ها را انسان‌ها با قرار داد تعیین می‌نمایند.

اما در نگاه متفکران اسلامی این‌گونه نیست که تمامی مناسبات و مسئولیت‌های اجتماعی مبتنی بر اعتبارات و قراردادهای اجتماعی باشد. خداوند انسان را موجودی بااختیار و اراده آفریده و دستورات و تکالیف فردی و اجتماعی را هم بیان داشته است.

لذا در این مقاله بر طبق مبنای متفکران اسلامی، مسئولیت اجتماعی، که خود مبنایی برای رسیدن به عدالت اجتماعی تبیین می‌شود.

۲. مسئولیت اجتماعی علما در معارف امام رضا

با تتبعی که در روایات منسوب به حضرت رضاع (ع) صورت گرفت تنها به روایتی موثق و صحیح به نقل از امام حسن عسکری (ع) در این موضوع دست یافتیم که صراحتاً حضرت در باب مسئولیت‌های علما و فقها در جامعه که به ایجاد عدالت اجتماعی و بهره‌مندی آحاد مردم جامعه از حقوق اجتماعی، امنیت، خشنودی و رضایت الهی می‌انجامد، اشاره دارد، که بدین شرح است:

روایتی از امام رضاع (ع) از امام حسن عسکری (ع) نقل شده است؛ وَ عَنْهُ (ع) قَالَ قَالَ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرَّضَا (ع): «... أَلَا إِنَّ الْفَقِيهَ مَنْ أَقْضَى عَلَى النَّاسِ حَيْرَهُ وَ أَنْقَذَهُمْ مِنْ أَغْدَائِهِمْ وَ وَفَّرَ عَلَيْهِمْ نِعَمَ جَنَّاتِ اللَّهِ تَعَالَى وَ حَصَلَ لَهُمْ رِضْوَانُ اللَّهِ تَعَالَى وَ يَقَالُ لِلْفَقِيهِ يَا أَيُّهَا الْكَافِلُ لِإِيْتَامِ آلِ مُحَمَّدٍ الْهَادِي لِضَعْفَاءِ مُحِبِّيهِمْ وَ مُوَالِيهِمْ قِفْ حَتَّى تَشْفَعَ لِكُلِّ مَنْ أَخَذَ عَنْكَ أَوْ تَعَلَّمَ مِنْكَ فَيُخِلَّ الْجَنَّةَ مَعَهُ فَنَاماً وَ فَنَاماً حَتَّى قَالَ عَشْرًا وَ هُمُ الَّذِينَ أَخَذُوا عَنْهُ عُلُومَهُ وَ أَخَذُوا عَنْهُ غَمَّنَ أَخَذَ عَنْهُ وَ غَمَّنَ أَخَذَ عَنْهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَأَنْظُرُوا كَمْ صُرِفَ مَا بَيْنَ الْمَمْرُئَتَيْنِ» (طبرسی، ۱۴۰۳، ص ۱۷).

امام رضاع (ع) در موردشان فقیه و عالم دین می‌فرمایند: «فقیه کسی است که احسان خود را به مردم ارزانی دارد و آن‌ها را از شر دشمنان نجات می‌دهد و برکات بهشت‌های خدای تعالی را به آن‌ها ارزانی می‌دارد و رضایت خداوند متعال را برای آن‌ها به دست می‌آورد. به فقیه گفته می‌شودای تو که سرپرستی یتیمان آل محمد(ص) را می‌کنی و ضعیفان را که آن‌ها را دوست دارند و به آن‌ها وفادارند، هدایت می‌کنی، بایستی تا هر کس را از تو آموخت، شفاعت کنی و او بایستد و وارد بهشت شود پس همراه او را دسته دسته و گروه گروه تا این که گفت: ده نفر را و آنانند که علمش را از او گرفتند و اخذ کردن علوم خودشان را از کسی که از او علمشان را گرفته‌اند و در مرتبه بعد از کسانی که اخذ کرده‌اند علمشان را از کسی که از او علمشان را اخذ کرده‌اند تا روز قیامت پس بنگر که بین آن دو جایگاه چقدر فضیلت است.»

۲-۱. تحلیل سندی حدیث

این روایت ابتدا در کتاب تفسیر منسوب به امام حسن عسکری(ع) آمده است و احمد بن علی طبرسی آن را از این کتاب نقل کرده است و در مقدمه کتاب می نویسد: «من بجز روایات تفسیر امام عسکری(ع) بقیه روایات کتاب را بدون سند آورده ام زیرا یا اجماع بر آنها هست یا موافق عقل اند یا در کتب مخالف و موافق مشهورند و روایات تفسیر منسوب به امام عسکری(ع) را با ذکر سند در ابتدای کتاب آوردم، چراکه از حیث شهرت مانند بقیه روایات کتاب نیستند.» (طبرسی، ۱۴۰۳، ص ۱۰) دوگونه سند برای تفسیر امام حسن عسکری(ع) آمده است.

سند در نسخه «ب، د، س، ص، و»: قال الشيخ أبو الفضل شاذان بن جبريل بن إسماعيل القمّي أدام الله تأييده، حَدَّثَنَا السيد محمد بن شراحتك الحسيني الجرجاني عن السيد أبي جعفر مهدي بن الحارث الحسيني المرعشي عن الشيخ الصدوق أبي عبد الله جعفر بن محمد الدوریستی عن أبيه عن الشيخ الفقيه أبي جعفر محمد بن علي ...

سند در نسخه «أ، ب، د، ط، ق، و»: قال محمد بن علي بن محمد بن جعفر بن الدقاق، حَدَّثَنِي الشيخان الفقيهان: أبو الحسن محمد بن أحمد بن علي بن الحسن بن شاذان و أبو محمد جعفر بن أحمد بن علي القمّي رحمه الله، قالوا: حَدَّثَنَا الشيخ الفقيه أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن موسى بن بابويه القمّي رحمه الله، قال: أَخْبَرَنَا أبو الحسن محمد بن القاسم المفسر الأسترآبادي الخطيب رحمه الله، قال: حَدَّثَنِي أبو يعقوب يوسف بن محمد بن زياد و أبو الحسن علي بن محمد بن سيار (حسن بن علي)(ع)، ۱۴۰۲، ص ۱).

لذا روایات منسوب به امام حسن عسکری(ع) در این کتاب دارای سند متصل است. مرحوم آقابزرگ تهرانی صاحب کتاب «الذريعة في التصانيف الشيعة» در مورد این کتاب و نویسنده آن، می نویسد: «در کتاب «الاحتجاج» که احتجاجات پیامبر(ص) و سلم و ائمه اطهار(ع) و برخی از صحابه و برخی از اولیای پاک آن حضرت در آن آمده است، بیشتر احادیث و روایات مرسل است، مگر آنچه از امام حسن عسکری(ع) نقل شده، چنان که در ابتدا بعد از خطبه بیان کرده است این کتاب ازجمله کتاب های مورد توجه علمای برجسته است که به آن تمسک کرده اند: مانند علامه مجلسی، محدث شیخ

حرام‌ملی و مانند آن‌ها» (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۸، ص ۲۸۱).

مرحوم محقق خویی: در کتاب معجم رجال الحديث به نقل از شیخ حر عاملی می‌گوید: احمد بن علی بن طبرسی عالم، فاضل، فقیه، محدث، ثقة، امامی جلیل است (خوئی، ۱۳۷۲، ص ۱۶۴).

روایاتی هم در تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع) آمده است با سند متصل و صحیح است که محمد بن قاسم استرآبادی خطیب، مشهور به مفسر جرجانی، که شاید تدوین‌کننده تفسیر نیز باشد، از دو راوی آن، یعنی ابو الحسن علی بن محمد بن سیار و ابو یعقوب یوسف بن محمد بن زیاد، نقل کرده است. در مقدمه کتاب به سند آن اشاره شده است. (استرآبادی، ۱۴۰۹، ص ۲) لذا این روایت از نظر سند مسند بوده و صحیح است.

۲-۳. بررسی دلالت حدیث

در این روایت حضرت به سه وظیفه و مسئولیت اجتماعی عالم و فقیه اشاره می‌نمایند که با انجام این وظایف، در کنار وظیفه سرپرستی و آموختن علوم اهل بیت: به پیروان و شیعیان که تعبیر به ایتم آل محمد (ص) شده است دارای حق شفاعت می‌شود. در ادامه به تبیین فرازهای این حدیث پرداخته و حدود مسئولیت اجتماعی علما در تحقق عدالت اجتماعی بیان می‌شود.

۳. حدود مسئولیت اجتماعی علما در تحقق عدالت اجتماعی

اگر آحاد جامعه و به طرق اولی امامان و فقهای و علمای آن‌ها به مسئولیت اجتماعی خود عمل نمایند و در چهارچوب وظایف و حدود شرعی، اخلاقی و اجتماعی حرکت نمایند، موانع ایجاد و تحقق عدالت اجتماعی در جامعه از بین می‌رود و سیر تحول و پیشرفت آن صعودی و سریع خواهد شد. در ادامه به این مسئولیت‌هایی که در بیان نورانی حضرت رضا (ع) آمده است اشاره شده و دلالت‌های آن بررسی می‌شود.

۳-۱. خیر رساندن به مردم جامعه

در ابتدای حدیث، حضرت (ع) می‌فرمایند: «إِنَّ الْفَقِيهَ مَنْ أَفَاضَ عَلَى النَّاسِ خَيْرَهُ...» فقیه و عالم کسی است که مردم از خیر او بهره‌مند می‌شوند. خیر در مقابل شر است و مفهوم آن دایره وسیعی دارد و با توجه به اطلاق آن، هر امر

پسندیده‌ای که باعث از بین رفتن سختی و مشکلات و امور قبیح و ناپسند از زندگی مردم شود و تسهیل و آرامش و نعمت را فراهم آورد در بر می‌گیرد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۳۰۰)، لذا باید در وهله اول پرسید مصادیق خیری که از جانب عالم و فقیه برای جامعه اسلامی می‌تواند به ارمغان آید چیست؟

در قرآن و روایات مصادیقی برای عمل خیر نام برده‌اند و بایستی برای تبیین مسئولیت اجتماعی علما و کسانی که دارای شان و وظیفه اجتماعی در راستای تحقق عدالت اجتماعی می‌باشند، به این مصادیق فرعی اشاره شود تا تحلیل مناسبی در مورد نقش اساسی آن‌ها در رهبری و هدایت جامعه از دیدگاه حضرت رضا(ع) ارائه دهیم.

۳-۱-۱. مصادیق خیر در قرآن

کلمه «خیر» در قرآن حدود ۱۸۸ بار تکرار شده است اما آن مواردی که در این بخش به آن اشاره شده است، آیاتی است که به مصادیقی اشاره دارند که در بعد مسئولیت اجتماعی و عملی است و در رابطه حق و حقوق انسانی و اجتماعی دخیل هستند. در قرآن مصادیقی برای «خیر» بیان شده است:

۳-۱-۱-۱. مال و ثروت

﴿كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ...﴾ (بقره / ۱۸۰) واجب است کسی که مرگش فرارسیده است اگر دارای متاع دنیا و ثروت است، وصیت کند. مفسرین از «خیر» در این آیه به مال و ثروت تفسیر کرده‌اند. اما داشتن مال و ثروت به تنهایی نمی‌تواند عدالت اجتماعی را فراهم آورد، ولی در صورت استفاده مسئولانه و منصفانه از آن، می‌تواند به تعادل و انصاف اقتصادی و اجتماعی در جامعه کمک کند. وصیت کردن در جهت:

۳-۱-۱-۱-۱. تأمین نیازهای اساسی افراد مانند مسکن، غذا، پوشاک و بهداشت

تأمین نیازهای اساسی افراد مانند مسکن، غذا، پوشاک و بهداشت، به افزایش عدالت اجتماعی کمک کنند.

۳-۱-۱-۲. ایجاد فرصت‌های شغلی

سرمایه‌گذاری در کسب و کارها و ایجاد فرصت‌های شغلی برای افراد زمینه‌ای برای بهبود

شرایط اقتصادی آن‌ها فراهم می‌آورد و به تسهیل رشد اقتصادی و عدالت اجتماعی کمک می‌کند.

۳-۱-۱-۳. حمایت از خدمات و منافع عمومی

افراد دارای مال و ثروت می‌توانند با حمایت مالی از پروژه‌های عمومی مانند بنیادهای خیریه، بیمارستان‌ها، مدارس و زیرساخت‌های عمومی، به توسعه جامعه و افزایش عدالت اجتماعی کمک کنند.

۳-۱-۲-۲. جهاد

قرآن «جهاد» را خیر معرفی کرده است: ﴿كُنِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَ هُوَ كُرْهٌ لَّكُمْ وَ عَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ...﴾ (بقره / ۲۱۶) «حکم جهاد بر شما نوشته شده و حال آنکه بر شما ناگوار و ناپسند است و چه بسا شما چیزی را ناپسند می‌پندارید و آن برای شما خیر است» جهاد به عنوان عمل خیر و یکی از مصادیق مسئولیت اجتماعی علمای امت بایستی به عنوان یک امر اساسی و مهم در راستای ایجاد عدالت اجتماعی که نجات مستضعفان فکری جامعه اسلامی از چنگال دشمن از مصادیق آن است، قرار گیرد. عالمان در صف اول جهاد در مبارزه با هر گونه تجاوزات فکری و عقیدتی و بیان راهکارها و پاسخگویی مناسب به شبهات و هججه‌های اعتقادی عمل کرده و حتی در میدان مبارزه فیزیکی در کنار سربازان دفاع از مرزهای اسلام عمل می‌کنند.

۳-۱-۳. تقوی

﴿لِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَلِكَ خَيْرٌ﴾ (اعراف / ۲۶) «لباس پرهیزکاری بهتر است» داشتن تقوا و سفارش مردم جامعه به رعایت آن از شئون مسئولیت اجتماعی علماست و بایستی هم در عرصه فردی و هم اجتماعی رعایت شود و طبق بیان نورانی امام صادق (ع): «كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِأَعْمَالِكُمْ، وَ لَا تَكُونُوا دُعَاةَ بِلَاسَتِكُمْ...» (حمیری، ۱۴۱۳، ص ۷۷) با عمل محرک جامعه به سوی دینداری و توحید عملی باشند.

۳-۱-۴. توبه کردن

﴿فَإِنْ تُبْتَغُوا فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ﴾ (توبه / ۳) «اگر توبه کنید برای شما بهتر است» در صورت خطا و گناه، بازگشت به سوی خدا و توبه به درگاه خداوند متعال مصادیقی از خیر است. توبه

می‌تواند یک مصداق از مسئولیت اجتماعی علما باشد. در اسلام، توبه به معنای بازگشت به خداوند و ترک گناهان است، اما این مفهوم می‌تواند به وسیله علما به‌عنوان یک نمونه برای دیگران نشان داده شود. وقتی یک عالم یا رهبر مذهبی توبه می‌کند، این اقدام می‌تواند بر دیگران تأثیرگذار باشد و آن‌ها را به توبه و تغییر بهبودی در زندگی دعوت کند. در این صورت، توبه به‌عنوان یک مسئولیت اجتماعی برای ارتقاء اخلاق و روحیه جامعه به‌عنوان مصداقی از عدالت اجتماعی محسوب می‌شود. از طرفی، توبه علما و فقها می‌تواند یک نمونه خوب از تواضع و اعتراف به اشتباهات باشد، که می‌تواند جامعه را به سمت بهبود و تحول روحی و اخلاقی هدایت کند. به علاوه، توبه علما می‌تواند نشانگر اعتراض به سیاست‌ها و اعمال نادرست اجتماعی شود و از سوی دیگر، دعوتی به تغییر و اصلاح در جهت بهبود شرایط جامعه. به‌عنوان نمونه رهبری معظم انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در بیاناتی که در جمع مردم بجنورد در ۱۹ مهرماه سال ۱۳۹۱ داشتند در مورد سیاست کنترل جمعیت در دهه هفتاد و رویه نادرستی که صورت پذیرفته بود بیان کردند:

«یکی از خطاهائی که خود ما کردیم - بنده خودم هم در این خطا سهیمم - این مسئله تحدید نسل از اواسط دهه ۷۰ به این طرف باید متوقف می‌شد. البته اولی که سیاست تحدید نسل اتخاذ شد، خوب بود، لازم بود، لیکن از اواسط دهه ۷۰ باید متوقف می‌شد. این را متوقف نکردیم؛ این اشتباه بود. عرض کردم؛ مسئولین کشور در این اشتباه سهیمند، خود بنده حقیر هم در این اشتباه سهیمم. این را خدای متعال و تاریخ باید بر ما ببخشد.»

لذا چنین سخنان و اذعان به رویه نادرست صورت گرفته توسط امام جامعه، خود باعث ایجاد رویه‌ای جدید و اصلاح شرایط و تغییر و بهبود اوضاع شده است.

۳-۱-۵. امر به معروف و نهی از منکر

قرآن، امت اسلام را که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، «خیر» معرفی می‌کند و هر کس در زمره این امت باشد خیر است:

﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ

لَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَ أَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿۱۱۰﴾ (آل عمران، ۱۱۰)
 «شما بهترین امتی هستید که [برای اصلاح جوامع انسانی] پدیدار شده‌اید، به کار شایسته و پسندیده فرمان می‌دهید و از کار ناپسند و زشت باز می‌دارید، و [از روی تحقیق، معرفت، صدق و اخلاص] به خدا ایمان می‌آورید. و اگر اهل کتاب ایمان می‌آوردند قطعاً برای آنان بهتر بود؛ برخی از آنان مؤمن [به قرآن و پیامبرند] و بیشترشان فاسقند.»

علت و ملاک خیر را در این آیه امر به معروف و نهی از منکر ذکر می‌کند و بر ایمان به خدا مقدم داشته است. شاید به خاطر این است که ایمان وقتی ریشه‌دار است که دو اصل امر به معروف و نهی از منکر حاکم باشد. از طرفی امر به معروف و نهی از منکر، به‌عنوان یک مسئولیت اجتماعی مهم در جامعه اسلامی که همه‌آحاد جامعه و در رأس آن‌ها علما و فقهای آن جامعه باید به آن ملتزم باشد و این امری نیکو و خیر است و باعث خیر آن جامعه است.

ایمان به خدا و امر به معروف و نهی از منکر به‌عنوان اصل اسلامی، نقش بسیار مهمی در ایجاد عدالت اجتماعی دارد؛

۱. **حفظ حقوق انسانی:** امر به معروف شامل حمایت از حقوق انسانی، احترام به همه اعضای جامعه و مبارزه با تبعیض است، که در نهایت به تقویت عدالت اجتماعی کمک می‌کند.

۲. **مبارزه با فساد:** امر به معروف و نهی از منکر می‌تواند به‌شناسایی و مبارزه با فساد در اقتصاد، سیاست و جوامع کمک کند و در نهایت بهبود و توزیع منصفانه‌تر منابع و ثروت در جامعه را فراهم آورد.

۳. **تقویت اخلاق جامعه:** ترویج اخلاقیات مثبت و جلوگیری از انحرافات اخلاقی از طریق امر به معروف و نهی از منکر، می‌تواند به تحقق عدالت اجتماعی و افزایش روحیه همبستگی و همدردی در جامعه کمک کند.

۳-۱-۲. مصادیق خیر در روایات

بسیاری از روایاتی که به عمل خیر اشاره دارند در قالب «خیر الناس» مطرح شده است و اشاره دارند که بهترین مردم کسانی هستند که دارای ویژگی‌ها و کردار و اعمال خاصی

باشند که مورد رضایت خداوند متعال است و برای طلب خشنودی خدا عمل کنند. از آنجا که بسیاری از موارد خیر را در آیات و شرح آن اشاره شده است برای اجتناب از اطاله به مواردی اشاره می شود.

۳-۱-۲-۱. روایت اول

در برخی روایات انجام واجبات و ترک محرمات را مصداقی از خیر دانسته اند: «وَعَنْهُ، عَنْ أَبِي حَمْزَةَ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، قَالَ: كُنَّا عِنْدَهُ فَرَفَعَ رَأْسَهُ، فَقَالَ: خُذُوهَا مِنِّي: مَنْ عَمِلَ بِمَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ فَهُوَ مِنْ خَيْرِ النَّاسِ، وَمَنْ اجْتَنَبَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ فَهُوَ مِنْ أَغْبَدِ النَّاسِ، وَمَنْ قَنَعَ بِمَا قَسَمَ اللَّهُ لَهُ فَهُوَ مِنْ أَغْنَى النَّاسِ» (عده ای از علما، ۱۴۲۳، ص ۱۷۹).

«ابوحمزه ثمالی از علی بن الحسین: نقل می کند که فرمود: ما با او بودیم و سرش را بلند کرد و گفت: این [سفارش] را از من بگیر. هر کس آنچه را که خدا به او امر کرده است انجام دهد از بهترین مردم است و هر کس از حرام خدا دوری کند از عابدترین مردم است و هر کس به آنچه خدا برایش قرار داده راضی باشد از ثروتمندترین مردم است.»

به طور کلی، عمل به واجبات الهی و ترک محرمات می تواند به فرهنگ انسانی و اجتماعی پیشرفت و تقویت عدالت اجتماعی کمک کند. زیرا این اوامر و دستورات الهی، اصول و مقرراتی است که به منظور رعایت حقوق انسانی، اخلاق و انصاف در جامعه تعیین شده اند را ترویج می دهند. برخی از روش هایی که عمل به واجبات الهی و ترک محرمات ممکن است به ایجاد عدالت اجتماعی کمک کند عبارتند از:

۱. **رعایت حقوق دیگران:** اعمال دینی شامل تعهد به رعایت حقوق دیگران و انجام وظایف اجتماعی است، که این اقدامات می توانند به تقویت روابط اجتماعی، افزایش اعتماد و مساوات بین افراد کمک کنند.

۲. **جلوگیری از ظلم و نهی از فساد:** عمل به واجبات و ترک محرمات در اسلام شامل جلوگیری از انحراف ها و فسادها در جوامع است. اسلام افراد را به نهی از منکرات، یعنی منع از کارهای زشت و ناپسند، تشویق می کند. زمانی که افراد در برابر ظلم و ستم سکوت نکنند و با منکرات مبارزه کنند، جامعه از فساد و تباهی پاک می شود و صداقت و امانت داری در تمام امور زندگی، رعایت حقوق متقابل، عمل به تعهدات، احسان، تعاون

و همبستگی اجتماعی جای آن را خواهد گرفت و جامعه به سمت عدالت اجتماعی حرکت می‌کند.

۳. **حفظ منابع طبیعی:** به عنوان مثال، ترک مصارف محرم، ترویج استفاده مسئولانه از منابع طبیعی مانند آب، خاک و هوا را فراهم می‌آورد که این اقدام‌ها به حفظ محیط زیست و ارتقای سطح زندگی اجتماعی کمک می‌کنند.

۳-۱-۲. روایت دوم

در روایتی از امام صادق(ع) نفع رساندن به مردم را مصادیق خیر است: «وَرَوَى يُونُسُ بْنُ ظَبْيَانَ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (ع) أَنَّهُ قَالَ: ... خَيْرُ النَّاسِ مَنْ انْتَفَعَ بِهِ النَّاسُ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۹۶).

«نفع» در مقابل «ضرر» است. عالم باید نه تنها منشأ نفع و بهره‌دهی به جامعه باشد بلکه باید هر گونه ضرر را از جامعه و آحاد مردم دفع کند تا همگان از حقوق و مسئولیت‌ها و تکالیف خود آگاهی یافته و در جهت عدالت اجتماعی در جامعه عمل نمایند. می‌توان گفت مصادیق نفع رساندن به مردم به گونه‌ای همان مصادیق «خیر» است که بیان شد.

۳-۲. عالم و فقیه مردم را از شر دشمنان نجات می‌دهد

در ادامه فرمایش حضرت رضا(ع) آمده است: «... وَأَنْقَذَهُمْ مِنْ أَعْدَائِهِمْ ...» فقیه کسی است که مایه نجات امت می‌شود. با توجه به فرمایش حضرت می‌توان گفت؛ عالم و فقیه با توجه به نقش بسیار مهم و تأثیرگذاری که در بین مردم دارند، می‌توانند نقش مهمی در نجات جامعه از دشمنان داشته باشند. آن‌ها می‌توانند با ارائه اندیشه‌ها و آموزه‌های دینی، اخلاقی و اجتماعی، افراد را به همدلی، همبستگی و انسجام اجتماعی تشویق کنند. عالمان و فقها می‌توانند از ابزارهای مختلفی که در دین وجود دارد، نظیر مراسم و مناسک دینی در ابعاد تجربی دین، سخنرانی‌ها و در کنار آن، کتب و انتشارات، رسانه‌های اجتماعی و ... استفاده کنند تا پیام‌های مهم و موجب نیکوکاری را به جامعه انتقال دهند و افراد را برای مقابله با دشمنان و حفظ امنیت و آرامش جامعه ترغیب کنند. همچنین، آن‌ها می‌توانند برای آموزش افراد در مورد شناخت و مقابله با دشمنان و تهدیدات امنیتی از

طریق اقداماتی نظیر افشاگری اطلاعات مهم، تقویت امنیت و اطمینان جامعه، همکاری با مقامات محلی و نهادهای امنیتی، آموزش به مردم در خصوص شناخت دشمنان و روش‌های مقابله با آن‌ها و پرهیز از ترویج تبلیغات دشمنانه و بی‌اطلاعی از موضوعات حساس مردم را آگاه نمایند. همچنین، شناخت و درک خوبی از مخاطرات و تهدیدات موجود عقیدتی، شبهه افکنی‌ها و پاسخگویی مناسب به آن‌ها از جمله اقداماتی است که جامعه را در برابر دشمنان محافظت می‌کند. برای نجات جامعه از شر دشمنان، مهم است که مردم به صورت یکپارچه و هماهنگ عمل کنند که این وظیفه علما و فقهای جامعه است. یکی از این مخاطرات در جامعه اسلامی احساس ناعدالتی اجتماعی و عدم پابندی به حقوق اجتماعی و انسانی و ظلم است. فقها بایستی با مظاهر ناعدالتی و تبعیض مبارزه کرده و روحیه ظلم ستیزی و عدالت خواهی و پابندی به حقوق اخلاقی و انسانی و اجتماعی را به جامعه تزریق نمایند.

در روایتی دیگر به همین مسئولیت عالم مورد تأکید قرار گرفته است:

وَ قَالَ أَبُو مُحَمَّدٍ (ع) قَالَ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرَّضَا (ع): «أَفْضَلُ مَا يَقْدُمُهُ الْعَالِمُ مِنْ مُحِبِّينَا وَ مَوَالِينَا أَمَامَهُ لِيَوْمِ قُبْرِهِ وَ فَاقِهِ وَ ذَلِكَ وَ مَسْكَنَتِهِ أَنْ يَغِيثَ فِي الدُّنْيَا مَسْكِينًا مِنْ مُحِبِّينَا مِنْ يَدِ نَاصِبٍ عَدُوٍّ لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ يَقُومُ مِنْ قَبْرِهِ وَ الْمَلَائِكَةُ صُفُوفٌ مِنْ شَفِيرِ قَبْرِهِ إِلَى مَوْضِعِ مَحَلِّهِ مِنْ جَنَانِ اللَّهِ فَيَحْمِلُونَهُ عَلَى أَجْنَحَتِهِمْ يَقُولُونَ لَهُ مَرْحَبًا طُوبَاكَ يَا دَافِعَ الْكَلَابِ عَنِ الْأَبْرَارِ يَا أَيُّهَا الْمُتَعَصِّبُ لِلْإِثْمَةِ الْأَخْيَارِ» (طبرسی، ۱۴۰۳، ص ۱۹). امام حسن عسکری (ع) از امام رضا (ع) این روایت را نقل می‌کند: عالم از شیعیان و دوستان ما، بهترین چیزی که برای آخرت پیش می‌فرستد، این است که در دنیا دست یکی از شیعیانی که گرفتار دشمن خدا و پیغمبر شده است، می‌گیرد و در مقابل آن دشمن خدا او را نجاتش می‌دهد و به دادش می‌رسد - آن شخص را کمک می‌کند تا از شرّ وساوس و شبهه‌ها نجات پیدا کند و دانش را انتقال می‌دهد - قیامت، ملائکه از کنار قبر این عالم، تا محلی که در بهشت، خدا برای او قرار داده، صف می‌بندند و این انسان عالم را روی بال خودشان می‌برند. ملائکه در مقام خیر مقدم، وقتی می‌خواهد وارد بهشت شود، می‌گویند: مرحبا طوباک طوباک یا دافع الکلاب عن الأبرار و یا ایها المتعصب للإئمه الأخیار»

در این روایت به روشنی به نقش عالم در نجات شیعیان از شر دشمنان (نفسی و

اعتقادی) که دشمن خدا و سول خدا(ص) هستند اشاره می‌شود که این خود یکی از مقدمات عدالت اجتماعی در جامعه اسلامی است، چراکه ایستادگی و نبرد در مقابل دشمنان خدا و اهل بیت: که برای نابودی اسلام و جامعه اسلامی دندان تیز کرده‌اند و آن را به‌عنوان مانع در مقابل دنیا خواهی خود می‌دانند و تبیین و عملیاتی کردن معارف و آموزه‌های والای اسلام در جامعه، به ایجاد مدینه فاضله بر پایه عدالت اجتماعی و در نهایت تمدن نوین اسلامی منجر خواهد شد. لذا شهید سید محمد باقر صدر، اصل «کفالت فراگیر» را به‌عنوان یکی از اصول عدالت اجتماعی بیان می‌دارد که پیامبر اسلام در ابتدای دعوت جامعه به اسلام برای مقابله با هرگونه تهدید کفار و دشمنان اسلام، این اصل را پیاده نموده است. شهید صدر می‌نویسد: «پیامبر اکرم(ص) برای تحقق عدالت اجتماعی مورد نظر اسلام، کار سیاسی خود را با ایجاد برادری در میان مهاجرین و انصار و پیاده کردن اصل کفالت متقابل در بین آنان آغاز کرد» (صدر، ۱۳۹۳، ص ۳۴۸)، پیگیری و ایجاد این اصل برعهده عالم و فقیه است.

۳-۳. فراهم آوردن نعمت و رضوان خداوند برای مردم

در فراز سوم حدیث حضرت رضا(ع) می‌فرمایند؛ «وَقَرَّ عَلَيْهِمْ نِعَمَ جَنَّاتِ اللَّهِ تَعَالَى وَ حَصَلَ لَهُمْ رِضْوَانُ اللَّهِ تَعَالَى ...»

می‌توان این بیان حضرت را به این نحو تفسیر نمود که عالم و فقیه بایستی برای مردم نعمت‌های بهشتی و رضوان خدا را به ارمغان آورند و این میسر نمی‌باشد جز از طریق هدایت آن‌ها در ابعاد مختلف عبادی، اخلاقی و اجتماعی، نشان دادن راه و روش درست زیستی که مورد رضایت خداوند است، ارتباط داشتن بر پایه احترام متقابل و حفظ کرامت‌های انسانی یکدیگر و پایبندی به حقوق انسانی، اجتماعی و سیاسی توأم با شناخت ارزش‌های الهی و اسلامی و ایمانی.

نمونه هدایت‌گری و راهبری جامعه اسلامی در امام خمینی(ره) به‌عنوان رهبری انقلاب اسلامی است که توانست جامعه‌ای الهی و ایمانی ایجاد نماید و نظامی بر اساس آموزه‌های دین اسلام و رضایت خداوند متعال ایجاد نماید.

شهید صدر (ره) در سلسله مباحث «اسلام، راهبر زندگی»، که شامل شش رساله

است و آنرا در اواخر عمر شریف خویش و پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران نگاشته است و ناظر به نیازهای فکری و فرهنگی جامعه اسلامی در سایه حاکمیت اسلام است و طرحی اجمالی را از مسائل مهمی که امت اسلامی در مرحله پس از انقلاب و به دست گرفتن حکومت با آن روبه رو می‌شود، ارائه داده است. وی در رساله اول، دکترینی استوار و در نوع خود بی‌نظیر در مورد پیشنویس قانون اساسی جمهوری اسلامی مطرح و پایه‌های اساسی سیستم حکومت و اداره آنرا بنا نهاده است (صدر، ۱۳۹۳، ص ۱۰). می‌نویسد:

«جمهوری اسلامی در عرصه داخلی این اهداف را پیگیری می‌کند: الف: پیاده کردن اسلام در عرصه‌های مختلف زندگی ب: عینیت بخشیدن به روح اسلام با برپایی اصول تأمین اجتماعی و توازن اجتماعی و پایان دادن به اختلاف طبقاتی در معیشت و تأمین حداقل رفاه همراه با حفظ کرامت، برای هر شهروند و از سرگیری توزیع ثروت با روش‌های قانونی و روشی که این اصول اسلامی عدالت اجتماعی را تحقق بخشد ج: آموزش هدفمند و آگاهانه اسلام به شهروندان و شکل دادن هویت اسلامی و عقیدتی همه آنان تا از این رهگذر پایگاه مستحکم فکری امت برای ادامه حمایت از انقلاب اسلامی شکل گیرد» (صدر، ۱۳۹۳، ص ۳۵ و ۳۶).

نتیجه‌گیری

غایت خلقت انسان رسیدن به کمال است و دستیابی به این مهم جز از طریق دین که برنامه هدایت بشر است میسر نیست، لذا انزال کتاب و ارسال رسل صورت گرفته است. از طرفی یکی از اهداف عالیه دین، عدالت اجتماعی است و برای دستیابی به آن بایستی افراد جامعه با آگاهی از وظایف دینی و اجتماعی خود، مسئولیت‌های اجتماعی خود را به نحو احسن انجام دهند و علمای جامعه به عنوان امامان جامعه اسلامی که محل رجوع مردم در امور سیاسی و اجتماعی و دینی بوده و وظیفه آگاه نمودن مردم و آشنا کردن آنها با آموزه‌های اسلام را دارند، دارای وظیفه و مسئولیت اجتماعی مضاعفی هستند. در غیر این صورت غایت و هدف نهایی که ایجاد عدالت اجتماعی در جامعه اسلامی و به

تبع آن ایجاد تمدن نوین اسلامی که سرآغاز جهانی نو با امامت تنها حجت خدا در روی زمین یعنی حجت بن الحسن (ع) مهیا نخواهد شد. لذا مسئولیت اجتماعی علما امری بسیار اساسی و رکن حیاتی برای جامعه اسلامی است و در بیان نورانی امام رضا (ع) این امر به نحو بسیار موجز و درعین حال کامل و مطلوب بیان گردیده است.

حضرت (ع) تعبیر به سرچشمه خیر بودن علما می‌کنند و در بحثی مبسوط با اشاره به آیات قرآن و روایات به مصادیق و مفاهیم «خیر» اشاره گردید و در روایات هم از برخی امور و افعالی که انجام می‌شود تعبیر به «خیر» شده است.

دومین وظیفه علما رهایی‌بخشی و نجات مردم از شر دشمنان است. در زمانه حاضر باوجود تمامی دشمنی‌های سیاسی و عقیدتی، وظیفه علما از این نظر بسیار سخت است. علما با تبلیغ عملی دین و بیان آموزه‌های والای اسلام و به بیان رهبری معظم انقلاب که تعبیر به جهاد تبیین دارند در همه عرصه‌ها می‌توانند بصیرت‌افزایی نمایند و باشناساندن دشمن و روشن کردن زمین بازی دشمن و میدان نبرد نرم، این مسئولیت را به خوبی انجام دهند و عرصه را برای تحقق عدالت اجتماعی و تمدن نوین اسلامی مهیا کنند و همچنین از طریق شوراهای مشاوره‌ای، تعاملات با سردمداران و تحقیقات و تحلیل‌های تخصصی، می‌توانند به شکل عملی در ایجاد سیاست‌ها و برنامه‌هایی که به ارتقای عدالت اجتماعی کمک کنند، مشارکت داشته باشند.

در نهایت بایستی علما مردم را به سمت نعمت‌های بهشتی و رضوان الهی هدایت و راهنمایی کنند. اما این انجام وظایف و مسئولیت‌ها بدون پاداش نخواهد بود. زمانی که فقها و علما وظیفه و مسئولیت اجتماعی خود را به نحو مطلوب انجام دهند مصداق ورثه الانبیا و افضل از عباد خواهند بود و دارای حق شفاعت می‌شوند و شاهد برپایی عَلم و گستره عدالت اجتماعی در همه عرصه‌های نظام جامعه اسلامی بوده در نهایت شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی خواهیم بود.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۶۶ش). علل الشرائع، (ترجمه مسترحمی). تهران: بی‌نا.

۳. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۱۳ق). من لا یحضره الفقیه، (مصحح علی اکبر غفاری). قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۴. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. (۱۴۰۴ق). تحف العقول. قم: بی نا.
۵. اخوان کاظمی، بهرام. (۱۳۷۹ش). عدالت در اندیشه سیاسی غرب. اطلاعات سیاسی و اقتصادی، (۱۵۳-۱۵۴).
۶. استرآبادی، محمد بن علی. (۱۴۲۲ق). منهج المقال فی تحقیق أحوال الرجال. قم: مؤسسة آل البيت(ع) لإحياء التراث.
۷. استرآبادی، محمد بن قاسم. (۱۴۰۹ق). التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری(ع)، قم: بی نا.
۸. آقابزرگ تهرانی، محمد محسن. (۱۴۰۸ق). الذریعة إلى تصانیف الشیعة. قم: انتشارات اسماعیلیان.
۹. جنتی، علی. (۱۴۰۲ش). درآمدی بر فقه مسئولیت اجتماعی، (تقریرات درس خارج فقه آیت الله مبلغی. به صورت غیر چاپی). بی جا: مدرسه عالی فقاقت عالم آل محمد.
۱۰. حمیری، عبد الله بن جعفر. (۱۴۱۳ق). قرب الإسناد (ط - الحدیث)، قم: بی نا.
۱۱. خوئی سید ابوالقاسم. (۱۳۷۲ش). معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة. بی جا: بی نا.
۱۲. داداشی، فاطمه؛ صفار حیدری، حجت؛ شریف زاده، حکیمه سادات. (۱۳۷۹). اصول و روش های تربیتی مسئولیت پذیری در آموزه های اسلامی، پژوهش و مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۶(۴۱).
۱۳. دیلمی، حسن بن محمد. (۱۴۰۸ق). أعلام الدین فی صفات المؤمنین. قم: بی نا.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن، (مصحح: داوودی، صفوان عدنان). بیروت: دار الشامية.
۱۵. روسو، ژان ژاک. (۱۳۴۱ش). قرارداد اجتماعی، (ترجمه غلامحسین زیرک زاده). تهران: شرکت سهامی چهر.
۱۶. سعدی، ابو محمد مشرف الدین مصلح بن عبدالله بن مشرف، (۱۳۹۸ش). گلستان، بی جا: انتشارات مرسل.
۱۷. شریف الرضی، محمد بن حسین. (۱۳۷۹ش). نهج البلاغة (ترجمه و شرح فیض الإسلام). تهران: بی نا.
۱۸. صدر، محمد باقر. (۱۳۹۳ش). اسلام، راهبر زندگی؛ مکتب اسلام؛ رسالت ما. قم: پژوهشگاه علمی تخصصی شهید صدر، دار الصدر.
۱۹. صدر، محمد باقر، (۱۳۹۳ش). اقتصاد ما، قم: پژوهشگاه علمی تخصصی شهید صدر، دار الصدر.
۲۰. طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۷۴ش). ترجمه تفسیر المیزان. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۱. طبرسی، احمد بن علی. (۱۴۰۳ق). الإحتجاج علی أهل اللجاج. مشهد: بی نا.

۲۲. عده ای از علماء. (۱۳۸۱ش). الأصول الستة عشر، قم: دار الحديث.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۳ش). اصول الکافی. تهران: دار الکتب الإسلامية.
۲۴. کوفی اهوازی، حسین بن سعید، المؤمن. (۱۴۰۴ق). قم: انتشارات مؤسسه الإمام المهدی (ع).
۲۵. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. (۱۴۰۳ق) بحار الأنوار. بیروت: بی نا.
۲۶. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۴ش). مجموعه آثار استاد شهید مطهری، (انسان و ایمان، جلد دوم). تهران: انتشارات صدرا.
۲۷. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۴ش). مجموعه آثار استاد شهید مطهری، (عدل الهی، چاپ هفتم). تهران: انتشارات صدرا.
۲۸. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۴ش). مجموعه آثار استاد شهید مطهری، (هدف زندگی، جلد بیست و نهم). تهران: انتشارات صدرا.
۲۹. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۴ش). یادداشتهای استاد مطهری، (چاپ هفتم). تهران: انتشارات صدرا.
۳۰. نیلسن، کای. (۱۳۸۲ش). واکاوی مفهوم عدالت، (ترجمة علیرضا کاهه). مجله راهبرد، (۳۰).
۳۱. یعقوبی، لیلا؛ فیاض، ایراندخت؛ سبحانی نژاد، مهدی. (۱۳۹۲). بررسی مسئولیت‌پذیری اجتماعی در آموزه‌های اسلام و دلالت‌های تربیتی آن به معلمان، فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت، ۲(۳۲).
32. Carroll, A. B., & Shabana, K. M. (2010). The business case for corporate social responsibility: A review of concepts, research and practice. *International journal of management reviews*, 12 (1), 85-105.
33. Thompson, P., & Bevan, S. (2010). Cultural theory and policy – a media analysis. *Cultural Trends*, 19 (3), 217-229.